

نطق کامل عباس آخوندی یکی از نامزدهای جبهه اصلاحات

ملت عزیز ایران

من نگران ایرانم، نگران فقر، منازعه‌ی بین‌المللی و فروپاشی اجتماعی و فرهنگی ملتی که هسته‌ی مرکزی یک تمدن چندین هزار ساله‌است. ملتی که باید عنصر اصلی پیوند ملت‌های منطقه و مایه‌ی ثبات و توسعه خود و پیرامون باشد، دچار کشمکش‌های بی‌پایان و بی‌انتهایی شده‌است. سرزمینی که چهارراه تبادل جهان است، فرقه‌ای از سر جهل و عناد چهارطرف آن را بسته‌اند و آن را تبدیل به قلعه‌ای محصور نموده‌اند. تمدن ایران محصول تجارت آزاد و آمدوشد اقوام و خرده فرهنگ‌های گوناگون و گفت‌وگوی فرهنگی و مدنی شرق و غرب و شمال و جنوب عالم بوده‌است. حصر هیچ‌گاه سرنوشت و ویژگی ملت ایران نبوده‌است. لیکن اینک به نام فریبنده خودکفایی و با سلب آزادی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تجاری تبدیل به ملتی بریده از جهان و درحسرت حضور در میدان‌های رقابت جهانی شده‌است. بیهوده نیست که شاهد سیل مهاجرت ایرانیان از پیر و جوان هستیم. با این وجود من به ذخیره فرهنگی این ملت و نیروی اندیشه تک‌تک ایرانیان باور دارم. لیکن به هوش باشیم که این نیرو تنها در یک صورت از قوه به فعل در می‌آید و آن هم هم‌افزایی از رهگذر یک گفتمان ملی است. من گفتمان ایده‌ی ایران را در میان می‌گذارم. گفتمانی که بر بنیان آموزه‌های تمدنی ایران، ارزش‌های ملی ایرانیان، شناخت دقیق فرصت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی ایران و بازخوانی تاریخ ایران اعم از پیش از اسلام، دوره اسلامی، دوره مدرن به ویژه مشروطه استوار شده‌است و به دو عنصر هویتی دیگر ایرانیان شامل اسلام و مدرنیته توجه دارد. به گمان من انتخابات 1403 با هدف تغییر و تحول در گفتمان حاکم که سراسر محدودیت و وادارندگی است باید تبدیل به میدان رقابت گفتمان‌ها شود. اشخاص توان محدودی دارند. لیکن توانایی ملت ایران در صورت سامان‌یابی ذیل گفتمان ایده‌ی ایران بی‌انتهاست. انتخابات و دولت ملی برآمده از آن می‌تواند مبنایی برای تصحیح مسیر باشد تا ملت ایران در یک فرایند تاریخی و با صبوری به مسیر توسعه بازگردد.

هم‌وطنان عزیز

من می‌فهمم که شما پدیده‌ی چنددولتی و یا بی‌دولتی را با تمام رگ و پوست‌تان حس می‌کنید. شما با تجربه تورم بالای 40 درصد برای مدتی بیش از پنج‌سال دریافتید که دولتی ملی با دغدغه‌ی رفاه و توسعه‌ی ایران در راس کار نیست. اساساً دولتی در کار نیست و منافع ملی در زیر چرخ رقابت دولتهای متعدد در حال له شدن است. اندیشه‌ی ضدآزادی‌های فرهنگی که به‌ویژه در این سه سال اخیر بر این کشور چیره شده‌بود، و هر روز با عنوانی علیه سبک زندگی انتخابی ملت صفاآرایی می‌کرد شما را در وضعیت استیصال قرار داده بود. شما دیدید که دولت مستقر امکان سیاست‌گذاری ندارد، به بازی گرفته نمی‌شود و توان به نتیجه رساندن حتی سیاست‌های اغلب بی‌بنیان خود چون صیانت و طرح نور را نیز ندارد.

سطح عمومی قیمت‌ها و بهای اقلام خوراکی هر روز افزایش می‌یابد و هیچ کس فردا را نمی‌تواند پیش‌بینی کند. نرخ ارزهای خارجی تغییر و زندگی و معیشت تکتک مردم ایران را تهدید می‌کند. اقشار عادی و مردمی که هیچ‌گاه در اندیشه‌ی نرخ ارز نبودند، امروزه هر روز باید نگران فراز و فرود ارزش واحد پول بیگانگان باشند. کارکنان و کارمندان دولت و غیر دولت و بازنشستگان عزیز هر روز می‌بینند که قدرت خرید مستمری دریافتشان کاهش می‌یابد. و شوربختانه چتر شوم فقر بیش از 30 میلیون نفر از ملت ایران را فراگرفته است. اینک هیچ راهی فراروی ملت ایران جز توسعه وجود ندارد. آنان که به دروغ و با سالوس ملت ایران را با توزیع موقتی چند کالا فریب می‌دهند، خیر خواه ملت ایران نیستند. اینک، تنها دولتی می‌تواند منافع ملی ملت ایران را تامین کند که بر مبنای یک گفتمان ملی چون ایده‌ی ایران، توسعه را هدف قرار دهد و نه هیچ چیز دیگر. دولتی که متعهد شود که تمام سنگ‌های فراروی توسعه ملی ایران را یکی یکی از سر راه بردارد. مابقی، جز شعارهای توخالی هیچ چیز دیگری نیست.

شهروندان عزیز

به گمان من انتخابات یک قرارداد اجتماعی میان رییس‌جمهور و یکایک شما است. این یک قرارداد واقعی است. رییس‌جمهور باید به حقوق شهروندان اعتراف کند و تعهدات خود به شهروندان را به وضوح بگوید تا قرارداد به صورت درست و صحیح منعقد و جاری شود و گرنه، این قرارداد ناروشن و نامعین است.

با توجه به دانش نظری، تجربه عملی در بزرگترین طرح‌های توسعه و عمرانی کشور، چون بازآفرینی شهری، احداث شهرهای جدید، احداث بیش

از یکصد بیمارستان، بالاترین تجربه‌ی توسعه شبکه آزاد راه‌ها، بزرگراه‌ها، و راه‌های فرعی و روستایی ایران، طرح توسعه‌ی بندرهای ایران از جمله فاز 3 توسعه بندر شهید رجایی، بندر چابهار، بندر امام و سایر بنادر شمال و جنوب ایران، عقد قرارداد خرید دویست فروند هواپیمای نو مستقیماً از ایرباس و بوئینگ با منابع بین‌المللی که با کارشکنی عناصر ضد توسعه ناتمام ماند، نوسازی سیستم ناوبری هوایی و توسعه شبکه‌ی فرودگاه‌های ایران که مردم اغلب مناطق ایران شاهد آن هستند، برترین توسعه شبکه‌ی ریلی ایران از جمله اتصال 5 مرکز استان به ریل و دوخطه کردن بسیاری از خطوط راه‌آهن، راه‌اندازی راه‌آهن حومه کلانشهرها و نوسازی و توسعه سیستم ناوبری ریلی ایران به میدان می‌آیم تا با توسعه‌ی فناوری‌های نوین و اکوسیستم نوآوری، ارتقای رقابت اقتصادی در تمام حوزه‌های صنعتی از جمله حوزه‌هایی که ایران دارای مزیت‌های نسبی و رقابتی است چون صنایع نفت، پتروشیمی، گاز، ساختمانی، کشاورزی، صنایع خلاقه‌ی فرهنگی و خدمات، رفع تبعیض در دسترسی به اعتبارات و اطلاعات، بازتعریف نظام یارانه‌ها و سهولت کسبوکار، ظرفیت اشتغال را افزایش دهد و با اجرای برنامه‌های توسعه ملی با تکیه بر توسعه‌ی مناطق از شدت فقر ملت ایران بکاهم.

عدالت، آزادی و رقابت منصفانه وجه‌های یک حقیقت واحد به نام توسعه‌اند. اگر از حاکمیت قانون و حکمروایی خوب و مشروط بودن قدرت سخن به میان می‌آید و یا از شفافیت، مبارزه با فساد و مشارکت شهروندان سخن گفته می‌شود، هیچ‌کدام در غیاب این سه اصل قابل دسترسی نیستند. جامعه‌ی مدنی، توسعه نهادهای مردم نهاد، فعالیت‌های سیاسی و حزبی، و یا حرفه‌ای و صنفی و همچنین سندیکاهای کارگری همه در سایه‌ی عدالت، آزادی و رقابت قابل دستیابی هستند. و من برای تحقق این سه هدف پا به این میدان گذاشته‌ام و هر سه را در چارچوب قانون اساسی تعهد می‌کنم.

در ایده‌ی ایرانی که من به آن باور دارم، ایران چهار راه جهان و ستون فقرات راه ابریشم نوین و مرکز گفتگوی ملت‌ها است. بنابراین، برترین مأموریت ما در جهان بازنگاه داشتن این چهارراه و حفظ امنیت و روانی حرکت در این راه است. بر این باورم که اسرائیل، برهم‌زننده‌ی امنیت و نظم این منطقه است. بنابراین، به‌جای متشتت ساختن توجه‌مان به جهت‌های مختلف باید از هرگونه رقابت درون منطقه‌ای دست برداریم و تنها با این رژیم نژادپرست از مجرای اعمال سیاست ضد آپارتاید، ضد پاکسازی و نسل‌کشی قومی از مجاری بین‌المللی

و همراه با مبارزات مدنی و آگاهی و همبستگی افکار عمومی جهان دست‌وپنجه نرم کنیم. و صلح پایدار منطقه‌ای را برقرار سازیم. می‌آیم تا در مسیر استقرار صلح و رفع تحریم‌های ظالمانه سیاست کشور را با قوت هر چه بیشتر به پیش ببرم و اقتصاد را آن‌چنان به تعهدات سیاسی منظم کنم که عدم بازگشت تحریم‌ها تبدیل به سازوکاری درونی شود.

من عباس آخوندی شهروند ایران، دانش‌آموخته دانشکده فنی دانشگاه تهران و همچنین فارغ‌التحصیل دانشگاه لندن با تجربه‌های آموخته از عضویت در اولین شورای مرکزی جهاد سازندگی و مسئولیت ستادبازسازی پشتیبانی جنگ، معاون سیاسی و اجتماعی وزیر کشور، رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، وزیر مسکن و شهرسازی، قائم مقام رئیس سازمان صدا و سیما، وزیر راه و شهرسازی و اینک عضو هیات علمی دانشگاه تهران، آنچه در بالا گفتم را به منزله‌ی قرارداد اجتماعی میان خود و ملت تعهد می‌کنم. تا چنانچه مورد استقبال ملت قرار گرفت امانت ایشان را با قوت برگیرم و خداوند را بر این عهد، گواه و ملت را داور قرار می‌دهم.

شهروند ایران
عباس آخوندی